

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

محسن رضوانی

۰۲ جنوری ۲۰۲۴

## ایستاده مردن به از زانو زدن در برابر دشمن

چنین است منطق مردمان ستمدیده و استثمار شونده که طبقه کارگر، گورکن سرمایه داری رسالت تاریخی رهائی کل بشریت را در دوران کنونی به عهده دارد. ایستادگی خلق فلسطین در برابر یک نقشه استعماری و امپریالیستی در این صد سال گذشته جزوی جدانپذیر از این روند تاریخی بشریت به سوی آزادیست. چنین بوده و هست منطق بشریت مترقی در پهنه جهانی برای ایستادن در برابر بورژوازی " متمدن " انقلابات دموکراتیک گذشته، که به سگ هار جهانخوار تبدیل شده است. طبقه ای که پس از برپا کردن دو جنگ جهانی که میلیون ها انسان را بلعید، پس از به کارگیری بمب اتم در جاپان که باعث نابودی ساکنان دو شهر شد، پس از ده ها دخالت گری و اشغال نظامی در کشورها و سازماندهی کودتا و انقلابات مخملی در سراسر جهان امروز برای ادامه سلطه بر جهان با استقرار صدها پایگاه نظام برون مرزی منطق زور، سرکوب، توطئه و جنگ را همچنان با شدتی بیشتر برای جلوگیری از تکامل روند تاریخی پیروزی طبقه کارگر و رهائی بشریت به کار گرفته است. این هیولای مسلح به کشتار جمعی هسته ای، میکروبی و اشعی برای ادامه سرکرده گرائی استفاده از ابزار سرکوب خشن که نمونه آن را در ویتنام با بمب های ناپالم، در عراق کشتار میلیون ها کودک و انسان های غیر نظامی و امروز در غزه و لبنان با نسل کشی بشریت را به لبه جنگ هسته ای و کیمیائی سوق می دهد .

در برابر این منطق، منطق توده ای مقاومت تا آخر سیاسی است که در عمل توانسته در برابر چنین دشمن پر قدرت و هاری ایستادگی کند. در جامعه طبقاتی هر طبقه سیاست و سبک کار خود را طبق شرایط اجتماعی و تاریخی زمان و مکان می ریزد. درست است عامل توازن قواء در جریان رشد مبارزه طبقاتی نقش مؤثری در انتخاب تاکتیک مبارزاتی بازی می کند اما اراده به مبارزه و منطق مقاومت و نهراسیدن از دشمن ملاط سازماندهی لشکر هیچ بودگان است. برای توده ها که زندگی در جامعه طبقاتی مردن تدریجی است و در طول تاریخ به پیاده نظام و گوشت دم توپ ستمکاران حاکم برای ادامه سلطه تبدیل شده اند مبارزه برای رهائی یک امر بودن و نبودن و مرگ و زندگی است. روشنفکران طبقه کارگر تنها با رفتن میان کارگران و توده هاست که به تدریج به منطق توده ها پی می برند .

در این مسیر پر درد و رنج برای توده ها که در قدم به جلو هزینه های سنگینی داشت ستاره ای درخشید و جهان نوینی را نوید داد. آگاهی طبقاتی پرولتری که بشریت استثمار شونده و ستمدیده جهان آن را مدیون آموزش های کمونیسم اند به این روند تاریخی ایستادگی ها و مقاومت ها جان تازه ای بخشید و معلوم کرد با سازماندهی پیشرو پرولتری در یک

حزب کمونیست، گسترش همه جانبه تشکل های کارگری و توده ئی زنان، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان، پرستاران و... و ایجاد وحدت نیروها تحت خط مشی سیاسی درست است که می توان هزینه را کمتر و احتمال پیروزی را زیاد کرد. با سرمایه داری شدن اروپا و امریکای شمالی در عمل صحت تئوریهای کمونیستی با پذیرش شعار های سیاسی توسط توده ها خود را نشان داد. در جلو چشم جهانیان معلوم شد کشوری به عظمت تزاری روسیه، کارگران به رهبری حزب بلشویک قادر می شوند قدرت امپراتوری را درهم شکنند و طبقه کارگر را به عنوان آلترناتیوی شایسته به جایش نشانند. پیروزی انقلاب اکتوبر کل روند تاریخی گسترش سرمایه داری را به هم ریخت و دوران نوینی را کلید زد. دورانی که مبارزه طبقاتی میان پرولتاریا و بورژوازی هر روز حادث می شود. شناخت ماهیت این دو طبقه به طور عام و در سطح جهانی و به طور خاص و در سطح کشوری، شناخت روند تاریخی این دو برای هر فعال سیاسی از هر کار سیاسی دیگری ضروری تر است.

### **این دو طبقه در تضادی متخاصم و عمده در سطح جهانی در برابر هم صف آرائی کرده اند .:**

یکی اقلیت بسیار ناچیزی است که ثروت عظیم بشریت را به غارت برده و بزرگترین زرادخانه جنگی را برای حفظ قدرت و سرکردگی بر جهان سازمان داده است. منطق این طبقه ذهنی گری، توطئه پس از توطئه، سرکوب پس از سرکوب، جنگ پس از جنگ است.

دیگری اکثریت عظیم کارگران و زحمتکشان اند که تولید کنندگان و سازندگان واقعی تاریخ اند. منطق آنها مقاومت و مبارزه، سازماندهی و اتحاد تا پیروزیست. آنها در راهپیمائی طولانی، افتان و خیزان در نبرد های پی در پی، از هیچ بودگان به نیروی عظیمی امروز تبدیل شده اند، نیروئی که هر چیز خواهند شد.

### **منطق مقاومت و مبارزه تا پیروزی در برابر منطق توطئه و سرکوب تا شکست**

در تاریخ مقاومت بردگان علیه ستمگران، منطق مقاومت و مبارزه توده ها با فدا کردن جان و ایستادن تا آخر، زیباترین و پر ارزش ترین وسیله را برای رهائی ثبت کرده اند. در سر زمین پهناور ایران که یکی از قدیم ترین جوامع دولت مدار است، بردگان علیه پادشاهان ستمگر صفحه درخشانی را نوشته اند. خاطره شش هزار بردگانی که علیه امپراتوری روم ایستادند و فریاد زدند من اسپارتاکوس هستم، نشانی از قیام کنندگان پارس را با خود داشت. امروز پس از قرن ها به یکی از زیباترین ایستادگی ها بشریت در برابر جنایتکاران امپراتوری روم ثبت شده است. مقاومت لنینگراد و ستالینگراد در برابر نازیسم هیتلری با فدا شدن ۲۷ میلیون انسان کشور شورا ها نمونه دیگری از ایستادگی انسان است. در ایران هم از جنبش مشروطه خواهی تا به امروز که عامل جهانی شدن سرمایه و استعمار و امپریالیسم را باید به حساب آورد مگر از بیگانگان جز دخالت و اشغال نظامی و از حاکمیت چیزی جز توطئه و سرکوب توده کارگر و زحمتکش از یکسو و مقاومت و مبارزه از سوی دیگر تجربه دیگری موجود است. مقاومت فلسطینی ها در این یک قرن علیه استعمارگران و امپریالیسم جهانی ماهیتاً از همین نوع است که هنوز به پیروزی نرسیده است. علل اساسی پیروز نشدن آن و دیگر جنبش های کارگری و توده ئی و اکثر انقلابات و جنبش های آزادی بخش، نداشتن خط مشی سیاسی و تاکتیک های درست و تشکیلات پیشرو و آوانگارد بوده است. بعد از جنگ جهانی اول در اروپا یک سری انقلابات درخشانی صورت گرفت - در روسیه، آلمان، هنگری و کمی بعد در اسپانیا اما تنها در روسیه بود که پرولتاریا به خاطر داشتن رهبری حزب بلشویک به پیروزی رسید. در فلسطین که یکی از سرزمین های تاریخی در زمینه مقاومت و مبارزه توده ها در منطقه است به خاطر نداشتن رهبری راستین بلشویکی و پراکندگی تشکل های سیاسی و دخالت مستقیم حکومت های ارتجاعی منطقه در امور داخلی خلق فلسطین تا به حال به پیروزی نهائی نرسیده اند. مقاومت خلق فلسطین در یکسال گذشته یکی از آن نوع قیام هائی است که در تاریخ جنبش رهائی بخش خلق فلسطین

به عنوان پایداری نسلی که در برابر مجهزترین ارتش جهان کنونی با پشتیبانی همه جانبه استعمارگران قرون گذشته و حال به یادگار خواهد ماند. مقاومت مردم غزه را در برابر صهیونیست های نسل کش اسرائیلی را با مقاومت شهر ستالینگراد مردم شوروی در برابر ارتش نازیست هیتلر مقایسه می کنند. بعضی ها خشونت و نسل کشی اسرائیلی ها را که توانسته بیش از دو میلیون مردم غزه را بکشد، بی خانمان، گرسنه و زخمی کند بهانه می کنند و می پرسند آیا حمله فلسطینی ها در هفت اکتوبر به این همه خسارت می ارزید. آنها با چنین منطقی که کشتن و ویرانی را معیار برد و باخت قرار می دهند صهیونیست ها و نتانیاهو را برنده می دانند و به نام پادشاهی ساقط شده ایران تقاضای اشغال ایران از ارتش اسرائیل و امریکا را دارند. رضا پهلوی که با هدایت دستگاه امنیتی موساد و ثابتی جنایتکار در سفر به مناطق اشغالی کلاه صهیونیست ها را به جای تاج سلطنتی به سر گذاشت استخوان های گور به گور شده رضا شاه و محمد رضا شاه را که تلاش می کردند خود را مدافع منافع ایران عرضه کنند در قبر به لرزه در آورد. احترام به خدای دروغین صهیونیست ها شریک شدن در نسل کشی کنونی در غزه است. خدای صهیونیست ها جبار ترین خدای بشریت است. خدائی است که به پیروان خود امر می کند دشمنان خود را حتا کودکان را بکشید و هیچ گونه ترحم و بخششی در اندیشه خود جای ندهید. منطق فاشیست های اسرائیلی نسل کشی، اعمال زور، کشتن و به آتش کشیدن است. این روزها در غزه و لبنان شاهد عملکرد ارتش جنایتکار آنها هستیم. صهیونیست ها بر اساس اندیشه قدرت و زور "حق" است و پیروزی درستی و حقیقت را معین می کند، عمل می کنند. تاریخ گرایش های راست افراطی در دوران بحران های ساختاری سرمایه گواهی است بر تولید بی شعور ترین رهبران سیاسی در تاریخ جهان و در جوامع طبقاتی. در تاریخ کشور خودمان از این نو جانوران آدمخوار کم نداشته ایم و نمونه بارز کنونی [در سطح منطقه] نتانیاهو ست. بی شعور های فاشیست معمولاً غرق در متافزیک و توهمات به دور از هرگونه واقعیات هستند. بی شعوری نتانیاهو از اندیشه و گفته های دروغین خدای خلق شده توسط صهیونیسم نشأت می گیرد. در برابر این منطق، منطق مقاومت و مبارزه، در عصر کنونی گفتمان علمی، تکیه به واقعیات و جستجو جوی حقیقت برای رهایی کل بشریت به دور از هرگونه تبعیض و ستم قرار دارد. در فرهنگ و ادبیات ما جهانبینی:

**"بنی آدم اعضای یک پیکراند - که در آفرینش ز یک گوهراند"**

**"می آزار موری که دانه کش است - که جان دارد و جان شیرین خوشست"**

قرن هاست جا افتاده است. انسان دوستی پایه های اساسی اندیشه های کمونیستی است. کمونیست ها برد و باخت را معیار درستی و نادرستی نمی دانند. درستی و نادرستی را براساس قوانین علمی ماتریالیسم تاریخی و ماتریالیسم دیالکتیک مورد سنجش قرار می دهند. جنگی که امروز در منطقه غربی آسیا به توده های مردم منطقه تحمیل شده ریشه در سرمایه داری انحصاری جهانی، ادامه سیاست استعماری پس از شکست امپراتوری عثمانی به دست استعمارگران اروپائی از یک سو و از سوی دیگر جنبش رهاییبخش خلق فلسطین دارد. این جنگ ادامه سیاست طبقه بورژوازی است در پایان رقابت آزاد و لیبرالیسم در اروپا و رسیدن به مرحله ادامه پوسیدگی و تفیلی گری. این طبقه ادامه زندگی اش در گرو انحصارگرایی، پول گرایی و سلطه گرایی بر منابع طبیعی و مواد خام سرزمین های جنوبی کره زمین و گسترش مجتمع صنایع جنگی قرار دارد. ماهیت جنگ را سیاست حاکم بر آن معین می کند و جنگ کنونی ادامه جنگ های مقاومت توده های ستمدیده علیه ستم کاران استعماری و امپریالیستی است که در این سال های طولانی احزاب و سازمان های سیاسی با گرایش های متفاوتی در آن شرکت داشته و دارند. جنگ حماس و نتانیاهو و ایران و اسرائیل نیست و نخواهد بود. ماهیت این جنگ را مقاومت تمام قد یک قرن خلق فلسطین است که در برابر اشغالگران و حامیان آنها کشورهای امپریالیستی معین می کنند. جنگی است در ادامه سیاست استعمارگران و اشغالگران سرمایه داری جهانی

و از نوع جنبش های آزادی بخش است و شعارش همچنان پرولتاریا و خلق های ستم دیده متحد شوید، است. پیروزی چنین جنگی در گرو خطمشی سیاسی راستینی است که به دور از هرگونه تبعیض ملی، قومی، دینی و مذهبی برای ایجاد یک فلسطین مشترک، آزاد و دموکراتیک در قلمرو جنبش سوسیالیستی جهانی است. برنامه ایست از یکی شدن انسان هائی که در این سرزمین فلسطینی امروز به دنیا آمده و زندگی می کنند. چنین هدفی را تنها با انقلاب اجتماعی عمیق توده ئی می توان تحقق بخشید. انقلابی با خط مشی سیاسی راستین طبقاتی به رهبری طبقه کارگر. تاریخ گواه است هر جا و هر زمان که چنین وضعی موجود بوده، هر جا که طبقه کارگر و توده های ستمدیدگان و استثمار شونده ها حزب راستین پیشرو یعنی حزب کمونیستی را به وجود آورده اند و در عمل توانسته اند صحت خط مشی و سیاست های خود را با پذیرش آنها توسط توده ها عملی کنند یعنی چنین جنگ های رهائی بخش را به انقلابی ریشه ئی تحت رهبری طبقه کارگر تبدیل کنند، آنجا پیروزی را ممکن کرده اند. نمونه برجسته چنین روندی پیروزی خلق چین علیه جاپان و امپریالیسم امریکا، خلق های ویتنام، لاوس و کامبوج علیه فرانسه و امریکا و دست نشانده های داخلی است. در فلسطین با این که در این صد سال گذشته احزاب چپ و کمونیست نقش بسیار فعالی در جنبش مقاومت ضد اشغال داشته اند اما بر اثر چند دستگی همچون جنبش چپ و کمونیستی ایران و نقش اندیشه ملی - اسلامی بویژه نقش قشر وسیع خرده بورژوازی در جنبش های ضد اشغالگری، آنها قادر به گسترش پایه های توده ئی خود به عنوان نماینده کل جنبش مقاومت نشده اند. با این که نیروهای چپ و کمونیستی بارها مورد سرکوب جناح های اسلامی و راست ضد کمونیست قرار گرفته اند اما همچنان استواری خود را در مبارزه علیه اشغالگران در عمل به اثبات رسانده اند و در خیزش جاری چهار تشکل چپ و کمونیستی در جبهه نظامی علیه ارتش صهیونیستی هم اکنون شرکت دارند .

مبارزات و مقاومت توده ها از ملیت های سرزمین ایران از لحاظ تاریخی چیزی جدا از جنبش های منطقه نبوده و نیست. بورژوازی ایران که جامعه کنونی را به لبه پرتگاه کشانده و جهانی را از کارگران، زنان، معلمان، بازنشستگان علیه خود شورانده به دو دسته اساسی ولی پراکنده تبدیل شده است. بخشی که دست بالا را در قدرت سیاسی حاکمیت جمهوری اسلامی دارند و روی خط مقاومت جبهه کنونی در سراسر خاورمیانه از عمان گرفته تا غزه و لبنان علیه اسرائیل عمل می کنند. بخشی دیگر که در قدرت نیستند و پرو غرب هستند در سمت اسرائیل و امریکا ایستاده و تا حدی در این امر جلو رفته که برای براندازی جناح دیگر رسماً تقاضای حمله به ایران را مطرح می کنند. نیروهای مترقی و کمونیستی ایران طرفدار طبقه کارگر در سمت خلق فلسطین ایستاده و تحت شدیدترین سرکوب های حاکمیت های شاهنشاهی و اسلامی ولایت فقیهی برای آلترناتیو انقلابی دموکراتیک و سوسیالیستی مبارزه می کند. در سیاست ایران امروز طبقه کارگر با طبقه بورژوازی چند سره از برانداز و اصلاح طلب تا محور مقاومتی و تغییر از درون روبه روست. و درست بدین خاطر ضمن داشتن برنامه ستراتیژیک خود که سوسیالیسم است باید با توجه به شرایط مشخص به مسأله سیاست و تاکتیک مشخص توجه ویژه داشته باشد. به نظر نویسنده این سطور در چنین اوضاع بغرنجی که جنبش های اجتماعی به ویژه جنبش کارگری هر روز در میدان است و بحران عمومی سیاسی و اقتصادی خیزش عمومی توده ئی را از هر زمان دیگر محتمل می کند پاسخ عاجل و فوری تلاش همه جانبه برای جلوگیری از گسترش جنگ به ایران و مبارزه همه جانبه برای سازماندهی جنبش های اجتماعی و وحدت کمونیست ها تا سطح یکی شدن است. ایجاد یک مرکزیت کمونیستی براساس یک برنامه مشخص سیاسی مشترک از ضروریات است و نقش کلیدی در تغییر اوضاع به سود طبقه کارگر و نجات کل ستم دیدگان و استثمار شونده های ایران دارد

محسن رضوانی/حزب رنجبران ایران، ۱. نومبر ۲۰۲۴